

## تقریر درس خارج فقه هوش مصنوعی حضرت استاد آیت الله محسن اراکی دامت برکاته

| مقرر    | مرتضی اسدیان لایمی                                                                                                                                                                                                                                                                                               | جلسه | ۰۳ | تاریخ | ۱۴۰۴ / ۰۹ / ۱۱ |
|---------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|----|-------|----------------|
| عنوان ۱ | تفاوت اساسی مباحث الفاظ و مباحث علم اصول                                                                                                                                                                                                                                                                         |      |    |       |                |
| عنوان ۲ | تفکیک قواعد اصولی به قواعد دلالت دلیل و قواعد دلیلیت دلیل                                                                                                                                                                                                                                                        |      |    |       |                |
| عنوان ۳ | نوع قاعده مورد نیاز در مباحث فقه هوش مصنوعی                                                                                                                                                                                                                                                                      |      |    |       |                |
| عنوان ۴ | وجود دلیل قطعی بر حجیت داده‌های هوش مصنوعی                                                                                                                                                                                                                                                                       |      |    |       |                |
| عنوان ۵ | <p>تنويع قواعد دلیلیت در مباحث هوش مصنوعی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• مطلب اول: قواعد دلیلیت هوش مصنوعی در اثبات حکم شرعی</li> <li>• قاعده اول: قطعی بودن دلیل در دلیلیت</li> <li>• قاعده دوم: نوع حجت در داده‌های هوش مصنوعی</li> <li>• قاعده سوم: قطع منبعث از داده‌های هوش مصنوعی</li> </ul> |      |    |       |                |

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

### چکیده

درس حاضر به بررسی مبانی تصویری و تصدیقی فقه هوش مصنوعی می‌پردازد. مبادی تصویری شامل تعریف فقه هوش مصنوعی و اجزای آن است. مبادی تصدیقی، همان قواعد اصول فقه است که در استنباط احکام این حوزه به کار می‌آید. در میان قواعد اصولی، تمرکز اصلی بر «قواعد دلیلیت دلیل» است، نه قواعد دلالت که در همه فقه‌ها مشترک است. نکته محوری این است که در نظام اصولی شیعه، دلیلیت هر دلیلی باید به صورت قطعی ثابت شود. بنابراین، داده‌های هوش مصنوعی تنها در صورتی می‌توانند حجت شرعی باشند که قطع‌آور باشند و ایجاد علم کنند. داده‌های ظنی حجیت ذاتی ندارند و صرفاً می‌توانند به عنوان راهنما در کشف دلیل به کار روند. همچنین، خود «قطع» حاصل از هوش مصنوعی نیز نیاز به بررسی دارد و باید تفکیک شود که آیا این قطع، «قطع نوعی» است که برای عموم عقلاء حاصل می‌شود یا «قطع شخصی» که مختص فرد خاصی است، زیرا آثار و احکام این دو، از جمله در باب جواز تبعیت، با یکدیگر متفاوت است.

\*\*\*

## درآمد بحث

گفته شد که برای ورود در مباحث «فقه هوش مصنوعی»، باید مبادی تصویری و تصدیقی این مباحث را تنقیح کنیم. در مبادی تصویری هم «فقه هوش مصنوعی» را تعریف کردیم؛ هم اجزای این فقه هوش مصنوعی را بررسی کردیم، هم ترکیب فقه هوش مصنوعی را تبیین کردیم.

گفتیم مبادی تصدیقی بحث فقه هوش مصنوعی، مباحث اصولی است. مباحث اصولی که دخالت دارد در خصوص فقه هوش مصنوعی. حالا البته مباحث اصولی زیاد است. همه اصول، به شکلی باید مورد استفاده قرار بگیرد؛ آن مباحث اصولی که در خصوص فقه هوش مصنوعی باید تنقیح بشود، این را باید به عنوان مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی در نظر گرفت.

گفتیم مباحث اصولی چیست؟ بر اساس تعریف، «العلم بالقواعد الاستدلال علی الحكم الفقهي من حیث الدلالة و الدلیلیة». مباحث اصولی عبارت از آن قواعدی است که برای استدلال بر حکم فقهی به آنها نیاز هست. این قواعد دو دسته هستند: قواعد مربوط به دلالت دلیل (همان چیزی که به مباحث الفاظ تعبیر می‌کنیم که ما در محل خود گفتیم تعبیر به «مباحث الفاظ» تعبیر درستی نیست. یک مقداری از مباحث منطقی گرفته شده است. ما در اصول کار به لفظ به آن معنای مباحث لفظی به آن شکل خاص نداریم؛ کار به دلالت لفظ داریم. بحث در قواعد دلالت است).

## تفاوت اساسی مباحث الفاظ و مباحث علم اصول

مباحث الفاظ اصول با مباحث لغوی فرق جوهری دارند. نه اینکه مباحث الفاظ اصول، همان مباحث لغوی هستند ولی چون در کتب لغت این‌ها بحث نشده و در فقه به آنها نیاز بوده، این‌ها را آوردیم در اصول بحث کنیم. خیر اینطور نیست. مباحث مربوط به الفاظ (یا بگویید مباحث لغویه اصولی) یک فرق جوهری با مباحث علوم لغوی (از صرف و نحو گرفته تا معانی و بیان و همه) دارند و آن این است که در مباحث لغوی، بحث از قوانین صحت کلام، صحت گفتار، صحت تعبیر می‌شود به این معنا که سخن صحیح باید چه ضوابطی را رعایت کند تا سخن، سخن صحیح بشود؟ این در صرف و در نحو و در معانی و بیان، این‌ها همه بحث در چیست؟ در قوانین درست سخن گفتن بحث می‌کنیم.

لکن در علم اصول، اصلاً ما درباره قوانین درست سخن گفتن بحث نمی‌کنیم؛ درباره قوانین درست فهمیدن بحث می‌کنیم که بعد از فراغ از صحت کلام متکلم و صحیح بودن کلام متکلم از نظر قواعد لغت چگونه درست بفهمیم کلام متکلم را؟

متکلم، کلام صحیحی دارد. متکلم، خداست ﷻ؟ متکلم معصوم علیه السلام است؟ متکلم، یک انسان عربی دان است یا حالا اگر هم عرب نباشد، به هر حال دانایی به زبان، کلام را درست ادا کرده. در اصول بحث می‌کنیم که ما با چه قواعدی بتوانیم مقصود متکلم را از کلام، درست بفهمیم. این کار اصولی است و این کار ماهیتاً اصولی است اصلاً و ماهیتاً با کار لغوی متفاوت است. لذا از آن به «قواعد دلالت» تعبیر کردیم و گفتیم منظور، دلالت بر مراد جدی، یعنی مقصود متکلم است.

## تفکیک قواعد اصولی به قواعد دلالت دلیل و قواعد دلالت دلیل

بخشی از مباحث اصولی مربوط به «قواعد دلالت دلیل»، بخشی مربوط به «قواعد دلالت دلیل» است. «دلالت» یعنی اینکه ما چگونه بتوانیم دلیل بودن دلیل را اثبات کنیم؟ یک چیزی صلاحیتی برای دلالت دارد، یعنی کاشفیتی دارد از مطلوب خودش. ولی آیا می‌توانیم به این کاشف اعتماد کنیم؟ چه نوع کاشفیتی قابل اعتماد است؟ چه نوع کاشفی قابل اعتماد نیست؟ اصلاً آن جایی که کاشف نداریم، چه کار باید بکنیم؟ کاشف از حکم واقعی شرعیه نداریم، کاشف نداریم؟ که مباحث اصول عملیه همین است. خلاصه، در مباحث اصولی ما علاوه بر بحث درباره قواعد دلالت، در مورد قواعد دلالت دلیل بحث می‌کنیم.

## نوع قاعده مورد نیاز در مباحث فقه هوش مصنوعی

آن مباحث اصولی که برای فقه هوش مصنوعی باید بحث شود، قواعد دلالت نیست؛ چون قواعدش فرق نمی‌کند بین اینکه فقه ما فقه هوش مصنوعی باشد یا هر فقه دیگری باشد. تفاوتی بین انواع فقهی که درباره آنها بحث می‌کنیم، در قواعد دلالت وجود ندارد. لذا ما در مبادی تصدیقی فقه هوش مصنوعی بحثی درباره قواعد دلالت نخواهیم داشت.

اما نوع دیگر یا قسم دیگر بحث‌های اصولی، گفتیم درباره دلالت دلیل است.

نکته‌ای در اینجا است و آن اینکه آیا هوش مصنوعی یا بگویید «داده‌های هوش مصنوعی» با همه به هر حال تشکیلات و با همه تدبیرها و با همه جزئیات خود، آیا می‌تواند دلالت داشته باشد بر حکم شرعی؟ داده‌هایی است که ما آمدیم، فرض کنید از هوش مصنوعی سوال کردیم. اصلاً سوال می‌کنیم: دلیل بر این حکم چیست؟ حکم را مطرح می‌کنیم، می‌پرسیم که «آیا دلیل بر نجاست فلان چیز چیست؟» یا مثلاً دلیل بر طهارت فلان شیء چیست؟ به هوش مصنوعی می‌دهیم، یک چیزی جمع می‌کند و به ما می‌دهد، می‌گوید دلالتش این است یا اصلاً می‌گوید دلیلی وجود ندارد. مقدار جواز اعتماد به هوش مصنوعی در استنباط حکم فقهی به چه میزان است؟ لذا آن بخش از قواعد اصولی که مربوط به دلالت دلیل اند، این‌ها هستند که برای ما در فقه هوش مصنوعی مورد نیاز هستند.

حالا که این‌طور شد، باید ببینیم که در مباحث فقه هوش مصنوعی به چه قواعدی نیاز داریم. به عنوان مثال هوش مصنوعی حکم را با استدلال بیان می‌کند، برای ما می‌گوید این حکم این است و دلالتش هم این است. حالا تا چه اندازه می‌توانیم به حرفش اعتماد کنیم؟ می‌گوید دلالتش این است، از کجا معلوم؟ اعتماد بر حرف او تا چه حد است؟ حالا این یک مثال خیلی عادی است. در خلال بحث، مصادیق خیلی زیادی پیدا می‌کند که روشن خواهد شد. خلاصه، دلالت دارد یا خیر؟ مثلاً می‌گوید، روایتی در این زمینه جز این روایت نیست. مثلاً جز این دو تا نیست. می‌توانید اعتماد کنید؟ حالا این یک جور اعتماد است. یا می‌آید می‌گوید که در این مسأله فقها اجماع کردند. می‌توانید به این هوش مصنوعی اعتماد کنید یا نه؟ یا شما می‌توانید سوال کنید: آیا مثلاً فرض کنید که خندیدن در نماز واجب است؟ موجب بطلان نماز می‌شود یا نمی‌شود؟ جواب می‌دهد، می‌گوید مثلاً می‌شود یا نمی‌شود. تا چه حد این جواب اعتبار دارد؟ حالا این‌ها که می‌گوییم، همش از این نوع نیست و این‌ها یک سری از مصادیق برای تمثیل داریم بیان می‌کند.

نکته ای که فعلاً خلاصه به آن اشاره می‌کنیم آن است که به نظر، قواعد برای مجتهد با قواعد برای مقلد متفاوت است. حالا این چیزی که گفتیم، بعضی‌هاش مربوط به دلیل مجتهد بود، بعضی‌اش مربوط به دلیل مقلد؛ ما در اصول در دو نوع دلیل بحث می‌کنیم، یکبار دربارهٔ دلایلیت دلیل به این معنا که بحث می‌کنیم که آیا دلیل قطعی حجیت دارد یا ندارد؟ مثلاً فرض کنید که... بحث حجیت قطع که البته مبتکر این بحث خود شیخ انصاری رحمته الله علیه است. یکی از نقش‌های مهمی که در شکل‌دهی به اصول جدید ما دارد، همین است که ایشان مباحث دلایلیت را از قطع شروع می‌کند و قطع را مبنا قرار می‌دهد. البته این در اصولیون متقدم هم بوده، منتها اینکه باب خاصی برای حجیت قطع باز بشود، این کار شیخ رحمته الله علیه است؛ خب یک سری ادله، ادله قطعی است. یک سری ادله، ادله غیرقطعی هستند؛ مثل خبر واحد، مثل شهرت، مثل امثال این‌ها. در ادله غیرقطعی، ما احتیاج به یک دلیل داریم که اثبات کند دلایلیت را. خب، در هوش مصنوعی، به طور کل، داده‌های هوش مصنوعی اگر داده‌های قطع‌آور نباشند، ما دلیلی بر حجیت‌شان نداریم. یعنی اگر خبر واحد بود، خود دلیل بر حجیت ندارد. خبر واحد، دلیل قطعی نیست. ولی دلیل بر حجیتش (یعنی دلیل قطعی بر حجیت دلیل غیرقطعی) در اصول، این معنا از مسلمات ماست. این از مسلمات اصول فقه شیعی است.

یکی از امتیازات اصول فقه شیعی که می‌شود این را بزرگ‌ترین امتیاز اصول فقه شیعی بر اصول فقه عامه دانست، این است که ما می‌گوییم: دلایلیت هر دلیلی باید قطعی بشود. ممکن است خود دلیل قطعی نباشد. این حرفی که از مرحوم علامه رحمته الله علیه هم گفته می‌شود، مبنایش همین است که «الحجیة منوطة بالقطع، و نية الدلیل لاتنافی قطعية الحجیة». حالا ما کار به آن حرف علامه رحمته الله علیه نداریم. ولی اینکه دلایلیت دلیل باید قطعی بشود، می‌تواند خود دلیل قطعی نباشد. لذا این... بعضی از کسانی که ضعیفند در مسائل اصولی، گاهی می‌گویند که ادله شما همه ادله ظنی است. حرف غلطی است. ما ادله ظنی اصلاً نداریم. ما دلیل ظنی نداریم. همه ادله‌ای که در فقه ما (در اصول فقه ما) این ادله به دلیل شناخته شدن، دلیل‌هایی هستند که دلایلیت‌شان قطعی است. تا دلیل، یک دلیل قطعی نباشد قابل اعتماد و قابل اعتبار نیست. بله. بعد از اینکه دلایلیت قطعی شد، ممکن است خود دلیل در کشف‌کنندگی‌اش کشف ظنی داشته باشد؛ اما حجیتش قطعی است. حجت باید قطعی بشود. حتی اگر «أمانة الظنية» است، باید حجیتش قطعی بشود. خب، ما در امارات ظنی متعارفه مثل خبر واحد، باید دنبال دلیل قطعی باشیم برای آن. چیست؟ لذا در خبر واحد دلیل قطعی بر حجیت داریم. در شهرت هم علی‌المبنا معمولاً قائل به عدم حجیت هستیم.

## وجود دلیل قطعی بر حجیت داده‌های هوش مصنوعی

حالا بحث اینجاست که آیا ما دلیل قطعی بر حجیت این داده‌ها داریم؟ یا خیر؟ اگر داده‌ها، داده‌های قطع‌آور نباشند (اگر داده‌ها، داده‌های علم‌آور نباشند)، داده‌های ظنی حجیت ندارند. می‌توانند ما را کمک کنند، راهنما باشند، ازشان استفاده کنیم اما نه به عنوان دلیل، بلکه به عنوان کمک در راستای کشف دلیل. بنابراین محل اصلی بحث ما این است که داده‌های قطعی هوش مصنوعی تا چه اندازه حجیت دارند و حجیت آنها چگونه است و چه نوع حجیتی دارند؟ به عبارت دیگر، بازبان ساده‌تر: قطع حاصل از هوش مصنوعی (یا از استفاده از هوش مصنوعی)، این قطع حاصل از استفاده از هوش مصنوعی، چقدر می‌تواند حجیت داشته باشد؟ این، آن چیزی است که ما این‌جا باید بحث کنیم. والا اگر استفاده از هوش مصنوعی قطع‌آور نیست (مثل خیلی از ادله‌ای که در اهل سنت هستند؛

مثل قیاس، مثل استحسان، یا مثل اینکه کسی تفأل می زند، می گوید که مثلاً من امروز بنا گذاشتم فلان چیزی بخورم، وقتی خوردم از وقتی که خوردم، هی می بینم که دارم بدی می بینم. مطمئن می شوم. این کار خوبی نیست. هستند دیگر. بعضی از عرفی ها، بعضی از مردم متعارف، گاهی یک کار را می گویند نمی کنیم. یعنی کار را با تفأل حرام می کند. به اصطلاح، حرامی از طرف خودش تعریف می کند. می گوید: من هر وقت این کار را کردم، بعد دیدم تو زندگی ام بد پیش آمد. یعنی مبنای تصمیمش چیست؟ فال زدن است و این درحالیست که تصمیم بر اساس فال، لیس من الاسلام.

در هر صورت، این هوش مصنوعی هم چیزی از همین قبیل (مثل قیاس، مثل استحسان) است چون قطع آور نیست، دلیل خاصی برای حجیتش نداریم. اما اگر قطع آور بود، اینجا جای بحث است. اینجا ما قواعد دلالت هوش مصنوعی را باید بحث کنیم. گاهی هم دلالت هوش مصنوعی بر حکم شرعی بحث می شود، گاهی دلالت هوش مصنوعی بر اثبات موضوع حکم شرعی بحث می شود. این هم دو بخش دارد.

## تنويع قواعد دلالت در مباحث هوش مصنوعی

لذا قواعد دلالت را در مباحث هوش مصنوعی ما به دو بخش تقسیم می کنیم:

۱. قواعد دلالت هوش مصنوعی در اثبات حکم شرعی؛

۲. قواعد دلالت هوش مصنوعی در اثبات موضوع حکم؛ موضوع هم که می گوییم یعنی چی؟ یعنی آنچه حکم بر آن تعلق گرفته است.

## مطلب اول: قواعد دلالت هوش مصنوعی در اثبات حکم شرعی

### قاعده اول: قطعی بودن دلیل در دلالت

قاعده اول این است که در دلالت گفتیم: در دلالت باید دلیل بودن، قطعیت داشته باشد؛ قطعی باشد. دلالت مجرد شک، در دلالت مساوی با چیست؟ با عدم دلالت. این قاعده است. یکی از قواعد بسیار مهم اصولیه است. و البته این هم از قواعد اصولیه مختص اصول فقه امامی است.

در اصول فقه اهل سنت، شک در حجیت مساوی با عدم حجت نیست.

این شکی که می گوییم، شک به معنای تساوی طرفین نیست، بلکه شامل ظن هم می شود. یعنی شک ما، عدم العلم است. ما گفتیم در مباحث مان که ما شک و قطعی که در اصول می گوییم، با شک و قطع یا شک و علم در مباحث منطقی متفاوت است از نظر اصطلاحی.

در اصول اگر گفتیم شک، اعم از ظن و وهم و احتمال و امثال این هاست. منظور از شک در اصول، «عدم العلم» است؛ به خلاف شک که در منطق گفته می شود که آن جا اصلاً احتمالات را به چهار قسم تقسیم می کنند: احتمالی که با قطع به عدم خلاف است (که علم است)، احتمال با وهم به موافقت (و به اصطلاح احتمال قوی)، احتمال متفاوت الطرفین (که از آن به شک تعبیر می شود)، و احتمال با وهم به خلاف یا قوت خلاف (که از آن تعبیر به وهم می کنند).

لکن در علم اصول می‌گوییم: در برابر حکم شرعی یا در برابر موضوع حکم شرعی، ما یکی از دو حال را داریم: یا علم داریم یا نداریم. آنی که نداریم می‌گوییم شک. و لذاست که اگر دلیلی، دلیلیتیش برای ما با قطع ثابت نشود (که مشکوک الحجیه باشد)، همین که شک در حجیت کنیم، کفایت می‌کند که ما بگوییم پس حجت نیست. این قاعده اول است. حالا این قاعده اول، اصل این قاعده را ما در اصول بحث کردیم، این جا نمی‌خواهیم اصل قاعده را بحث کنیم. داریم تطبیق می‌کنیم.

### قاعده دوم: نوع حجت در داده‌های هوش مصنوعی

بنا بر آنچه گفتیم، حجت (آنی که حجیت دارد) در هوش مصنوعی، قطعی است. یعنی حجتی که می‌توان گفت به عنوان حجت قبولش کرد، پذیرفت، قطعی است. داده‌های غیرقطعی هوش مصنوعی حجیت ندارند. آن داده‌های هوش مصنوعی که قطع‌آور است، حجیت دارد. حالا باید ببینیم محدوده حجیتش چیست؟ بنا بر این قاعده دوم این است که: آنچه در فقه هوش مصنوعی به عنوان حجت می‌تواند پذیرفته شود، کدام است؟ حجتی که حجیتش قطعی است. یا بگویید: داده‌های قطعی هوش مصنوعی می‌تواند موضوع حجیت قرار بگیرد. داده‌های غیرقطعی هوش مصنوعی نمی‌تواند موضوع حجیت قرار بگیرد؛ چون اگر داده‌ها غیرقطعی باشد، احتیاج به دلیل خاص بر حجیتش دارند که نداریم.

### قاعده سوم: قطع منبعث از داده‌های هوش مصنوعی

قطع دو نوع است: ۱. قطع نوعی ۲. قطع شخصی. (مثلاً آن که می‌گوییم: علم نوعی یا علم شخصی). قطع، همین طور یک قطع نوعی داریم، یک قطع شخصی. یعنی چه؟ یک وقت یک اسبابی (ادله‌ای، دلیلی) وجود دارد و قطع منبعث از آن بوده، این دلیل برای نوع عقلا، برای نوع مردم قطع‌آور است. این قطع، نوعی است؛ چون نوع مردم و... این اختصاص به فرد خاص ندارد. شخص خاص... نوع مردم از حس، از طریق حس برای شان قطع حاصل می‌شود. یا مثلاً فرض کن از طریق برهان قطعی. برهان قطعی هم از لحاظ ماده، هم از لحاظ صورت، اگر یک برهانی قطعی‌الماده و قطعی‌الصورة بود، این هم قطع‌آور است. آن خطش قطعی است؛ یعنی برای نوع مردم (نوع عقلا، نوع آدم‌های عاقل) این قطع‌آور است. این قدر قطعی است، برای همه قطع می‌آورد. این نوع دلیل، یعنی برای همه قطع‌آور است. یک نوع دلیل داریم که این دلیل برای همه قطع‌آور نیست؛ برای شخص خاص قطع‌آور است. شاید این مثال بد نباشد که یکی از اساتید ما می‌فرمود که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه ظاهراً به هیئت استفتا فرموده بود که: «اگر این پنج نفر از فقها (گاهی که می‌خواستند یک فتوایی را از مرحوم آیت الله بروجردی در هیئت استفتا بیان کنند، خب دسترسی به فتوای ایشان نبود) گفتند اگر دسترسی به فتوای شما نداریم (نداشتیم)، چه کار کنیم؟». یعنی ایشان فرموده بود که: «اگر این پنج نفر فقها اتفاق نظر در مسأله‌ای داشت باشند، این، فتوا فتوای من است». قبول کنید. مثلاً فرض کنید که پنج تا: شیخ طوسی و محقق و علامه و شهید ثانی و... فرض کنید الان صاحب جواهر. اگر اینا، این پنج نفر (حالا شاید یکیشان به جایش شیخ... شیخ همسایه باشد! خلاصه پنج نفر از فقها) اگر اینا اتفاق یک نظری داشتند، این، فتوا و فتوای من است» یعنی معنیش این است که من اگر این پنج نفر اتفاق بر یک مطلبی کنند، برای من قطع حاصل می‌شود که این‌ها نمی‌شود هر پنج تا شان خطا کنند؛ حتماً یکیشان درست است. این بر اساس حساب احتمالات.

الان خب، حساب احتمالات هم، حساب احتمالات برای افراد متفاوت است. چرا؟ چون حساب احتمالات مبتنی بر قوت احتمال است. قوت احتمال ممکن است یک چیزی برای من احتمال قوی ایجاد کند، برای شما احتمال قوی ایجاد نکند. یک کسی هست، مثلاً فرض کنید که از یک رفتاری برایش یک قطعی حاصل می شود، اما کسی دیگر از این رفتار برایش حاصل نمی شود. یک علامتی، یک نشانه ای... یک نشانه ای برای یک کسی حالا قطع آور نباشد، همین یک نشانه برای یکی احتمال قوی ایجاد می کند، اما همین نشانه برای شخص دیگر احتمال قوی ایجاد نمی کند. و در حساب احتمالات هم، قطع ناشی از حساب احتمالات، این باید دید که آن قوه احتمالی که مبنای حساب احتمالات است، این قوه احتمال، آیا قوه احتمال نوعی است یا قوه احتمال شخصی است؟ تا بعد بتوانیم نتیجه بگیریم که این قطع حاصل، قطع نوعی است یا قطع شخصی.

لذا داده های هوش مصنوعی اگر قطع آور هم باشند، باید دید که این چطور قطعی است؟ این قطعی که ایجاد می کند، قطع نوعی است یا قطع شخصی؟ و اثر اینها نیز متفاوت است زیرا اگر قطع، قطع شخصی باشد، یک اثر دارد. تفاوت بین این دو قطع را که اینها اگر لازم بود در بحث بعد بیشتر بازش می کنیم که: در قطع شخصی، اولاً تبعیت از قطع شخصی جایز نیست. یعنی اگر یک قطع، قطع شخصی بشود، یک کسی (یک مجتهدی) به یک حکمی دست یافته و دلیلش هم قطع است، اما این قطع از یک اسباب شخصیه حاصل شد (نه اسباب نوعیه). همانی که در اصول شیخ رحمته الله علیه به «قطع فقیه» تعبیر می کند. قطع، برای خودش معتبر است؛ اما برای مقلد، قطع فقیه معتبر نیست. این یک اثر دیگر یا تفاوت دیگر این است که قطع ناشی از قطع شخصی، تبدیل پذیر است؛ یعنی ممکن است این آقا امروز قطع دارد به یک چیزی، فردا قطعش عوض می شود. اما قطع های نوعی، تبدیل پذیر نیستند. قطع نوعیه، یک برهانی است. این برای همه کس قطع آور است. لذا این دو تفاوت بین قطع شخصی و قطع نوعی وجود دارد.

ادامه بحث را ان شاء الله هفته آینده دنبال می کنیم.

و صلی الله علی محمد و آل محمد